

موضوع‌شناسی قمار در فقه امامیه

حمیدرضا دهقانی فیروزآبادی^۱

چکیده

حرمت قمار از مسلمات فقه امامیه است که به‌صورت مکرر در آیات و روایات بیان شده‌است. قمار در مکاسب محرمة از عناوینی است که ذیل تکسب به اعمالی که فی‌نفسه حرام هستند بررسی شده‌است، اما مفهوم قمار و ملاک‌های مؤثر در آن، مورد اختلاف فقها قرار گرفته‌است، که در نتیجه اختلافاتی در قماردانستن بعضی از بازی‌ها مخصوصاً بازی‌های جدید و به تبع آن حکم حرمت یا عدم حرمت آنها پدید آمده‌است. با بررسی موضوع قمار می‌توان به تعریف جامع و مانعی از آن دست پیدا کرد تا با استفاده از آن بتوان مصادیق قمار مخصوصاً پدیده‌های نوظهور را به درستی تشخیص داد. این تحقیق با هدف تبیین دقیقی از موضوع قمار انجام شده و رسیدن به این مقصد با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای، از جمله بررسی تعریف لغوی و اصطلاحی قمار، با توجه به استقراء نظرات فقها در این مسئله و بررسی آیات و روایات مرتبط و سپس تحلیل دلالت نصوص مُسَرِّ است، که نتیجه آن فهم تعریف مشخصی از مفهوم قمار است. همچنین، نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که ملاک اصلی مؤثر در قمار، رهان (شرط‌بندی یا گروگذاری) است، چه با ابزار مخصوص قمار باشد، چه بدون آنها. همچنین، عنصر مخاطره و ریسک‌پذیری نیز نقش پررنگی در موضوع قمار دارد. پس آلات قمار مدخلیتی در مفهوم قمار ندارند و دلیل حرمت بعضی از آنها در صورت عدم شرط‌بندی به خاطر ادله‌ی دیگری است.

واژگان کلیدی: قمار، میسر، رهان، مراهنه، شرط‌بندی، گروگذاری، آلات قمار.

۱. طلبه پایه نهم مدرسه شهیدین رحمتهما قم.

رایانامه: hrdehghani1377@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۱۳۲۵۵۱۶۲۶



۱. مقدمه

قمار کردن در میان بشر سابقه طولانی دارد که در اسلام به حرمت آن حکم داده شده است. بعد از گذشت زمان، مطالعات علمی به آثار مخرب قمار دست پیدا کرده‌اند. در پژوهشی شرکت‌کنندگان عوارض متعددی برای قمار ذکر کرده‌اند. این عوارض در سه دسته مشکلات فردی، خانوادگی و قانونی تقسیم می‌شود. مشکلات فردی مثل دروغ گفتن برای به‌دست آوردن پول یا اقدام به خودکشی به علت مبلغ بالای بدهی و مصرف الکل و مواد مخدر می‌باشد. اعتیاد به قمار باعث ایجاد مشکلاتی در خانواده نیز می‌شود و همچنین قرض پول زیاد و عدم توانایی در بازپرداخت فرد را مجبور به کارهای غیرقانونی می‌کند (معارف‌وند، مردانه جبه‌دار، زمانی و مرشدی. قمار در ایران. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۵؛ ۵(۳): ۴۱-۵). به‌صورت کلی می‌توان گفت: قمار یعنی قربانی کردن مال و شرف برای به‌دست آوردن مال غیر به خدعه و تزویر و احیاناً به‌عنوان تفریح و نرسیدن به هیچکدام (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۲۶ تا ۱۲۹). با گذشت زمان، شکل‌های جدیدی از بازی‌ها و پدیده‌های نوظهور رواج پیدا کرده‌اند که ممکن است اثرات مخربی بر انسان‌ها داشته باشند، اما با توجه به اختلاف در معنای قمار و ملاک‌های مؤثر در صدق قمار بر مصادیق خارجی، انطباق قمار بر انواع بازی‌ها ما را با مشکلاتی روبرو می‌کند. همچنین دخیل بودن یا نبودن بعضی معیارها مانند گروه‌گذاری، اختلافاتی را در نظرات فقها به‌وجود آورده است، پس لازم است تعریف دقیقی از قمار ارائه شود و مورد بررسی قرار گیرد. از این‌رو پرسش از مفهوم قمار، مسأله‌ای است که نیازمند کاویدن تا مرحله پاسخی درخور است. برای پاسخ به این پرسش و رسیدن به تعریف مختار و ملاک‌های آن، باید به بررسی معنای واژگان مرتبط با قمار و همچنین حدود قمار در آیات و روایات پرداخت. بحث قمار در کتب فقهی غالباً در مبحث مکاسب محرمه و کسب‌هایی که عمل آنها حرام است بیان شده است، اما فقها بیشتر در مورد حرمت آن به بحث پرداخته‌اند و مبحث موضوع‌شناسی به‌صورت جامع و کامل مطرح نشده است. همچنین، تعاریف مختلفی در مورد قمار بیان شده است، اما این تعاریف نیاز به بررسی داشته تا بتوان مؤلفه‌های مؤثر در قمار را به‌دست آورد. ضروری است با بررسی تعاریف موجود در کلام فقها و انطباق آنها با مفهوم قمار و بررسی آیات و روایات مرتبط، به تعریف دقیقی از آن پرداخت تا با شناخت دقیق موضوع بتوان در استنباط احکام در مورد بازی‌ها و



پدیده‌های نوظهور درست عمل کرد. یکی از مقالاتی که در این موضوع نگارش شده است، مقاله «بازپژوهی معناشناختی قمار در فقه امامیه» (علیرضا هدائی و جواد سلطانی‌فرد و احمد محمدی (۱۴۰۳)، بازپژوهی معناشناختی قمار در فقه امامیه، پژوهش‌های فقهی، شماره ۳، ص ۲۱۱-۱۹۳) است که تالیف حاضر با نگاهی به ساختار آن مقاله، سعی بر آن دارد با توجه به تفاسیر مختلف نگاه دقیقی به معنای قمار و میسر در آیات داشته باشد. همچنین، معنای این‌دورا در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) و کتب لغوی بررسی کند.

۲. مفهوم‌شناسی قمار

برای فهم دقیق معنای قمار، لازم است ابتدا معنای لغوی آن بررسی شود و سپس با توجه به آن، معنای اصطلاحی قمار مورد دقت قرار بگیرد.

۱-۲. معنای لغوی قمار

واژه قمار از ریشه «ق م ر» گرفته شده است. این ریشه به سفیدی و درخشندگی اشاره دارد، پس اصل قمر به معنای سفیدی در چیزی است و از آن برای توصیف ماه و سایر چیزهای سفید یا نورانی استفاده می‌شود. (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۲۵ و ۲۶) از ریشه قمر مشتقات مختلفی گرفته می‌شود که شامل: «القَمَرُ» به معنای ماه، «الأَقَمَرُ» که برای توصیف چیزهای سفید به کار می‌رود، «تَقَمَّرَ» به معنای شکار کردن در شب‌های روشن مهتابی، «أَقَمَرَ التَّمَرُ» به معنای از بین رفتن شیرینی خرما بر اثر سرما، «تَقَمَّرُ البَصَرُ» به معنای حیرت چشم از برف یا نور شدید، و در نهایت واژه قمار است، که به نظر کتاب التحقيق: برخی معتقدند این کلمه از همان ریشه «قمر» گرفته شده، چون قماربازی معمولاً در شب‌های روشن انجام می‌شد تا مردم متوجه نشوند. (مصطفوی، ۱۴۲۶ ق، ج ۹، ص ۳۱۶-۳۱۷) البته بعضی مثل صاحب مقایس اللغه معنای قمار را از اصلی که از آن گرفته شده، شاذ می‌دانسته و می‌فرماید: بعضی آن را از همین اصل دانسته‌اند و آن این است که شخص قمارکننده مالش کم و زیاد می‌شود و بر یک حالت باقی نمی‌ماند. (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۲۶)

بعضی معتقدند: واژه قمار همان مقامر است؛ (جوهری، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۷۹۹) التحقيق برای معنای قمار از این مثال استفاده کرده است: «قَامَرْتُهٔ فَقَمَرْتُهٔ» یعنی با او



قماربازی کردم و بردم. که برای معانی آن به صورت عربی، از الفاظ میسر و مراهنه استفاده کرده است: «فانه ادامه عمل المراهنه و المیسر». (مصطفوی، ۱۴۲۶ ق، ج ۹، ص ۳۱۷) همچنین، بعضی دیگر برای معنای قمار لفظ راهن را به کار برده‌اند: «قامر الرجل مقامرة قمارا: راهنه». (ابن سیده، ۱۴۲۱ ق، ج ۶، ص ۴۰۶)

در نظری دیگر، در توضیح «قامره مقامره و قمارا فقمره» آمده است: با او شرط بست و شرط بندی کرد، پس بر او چیره شد. این نظر تقمره به معنای «با او شرط بست و بر او پیروز شد» ترجمه می‌کند و این همان تقامر است که به معنای شرط بندی و بازی برای بردن است. (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۴۶۵)

با توجه به معانی ذکر شده، وجه مشترک غالب آنها شرط بندی یا همان لفظ «رهان» در معنای قمار است.

۲-۲. معنای اصطلاحی قمار

در آیات قرآن، از قمار با لفظ «میسر» نام برده شده که در قرآن به عنوان عمل شیطان نامیده شده است. گفته می‌شود که اصل قمار، رهن و شرط بندی بر بازی با چیزی از آلات است. همچنین، قمار بر بازی با آلات قمار مطلقاً چه با شرط بندی و چه بدون آن هم اطلاق شده است. (صاحب جواهر، ۱۴۱۷ ق، ج ۵، ص ۱۳۸). مفهوم قمار، قائم به دو طرف است؛ زیرا در مفهوم آن غلبه یکی بر دیگری نهفته است؛ از این رو، در جایی که کسی با خودش بازی می‌کند قمار صدق نمی‌کند. بنابراین، مغالبه (چیرگی یکی بر دیگری) در تحقق مفهوم قمار دخالت دارد. با این حال، در مفهوم قمار دو بحث مطرح است: ۱. آیا در تحقق مفهوم قمار، بازی با آلات ساخته شده برای آن، همچون پاسور و شطرنج و یا آلاتی که قمار با آنها رواج دارد، مانند گردو دخالت دارد و در نتیجه، بازی با غیر آن آلات، مصداق قمار به شمار نمی‌رود، یا چنین نیست؟ ۲. آیا در تحقق مفهوم قمار، شرط بندی دخیل است و بازی بدون شرط بندی با آلات قمار یا بدون آن، مصداق قمار نخواهد بود و یا شرط بندی دخالتی ندارد و بازی با آلات قمار بدون شرط بندی نیز مصداق قمار خواهد بود؟

اختلاف در مفهوم قمار در کلمات فقها نیز وجود دارد. برخی گفته‌اند: اصل قمار، بازی با آلات قمار، همراه با شرط بندی است. گاهی نیز بر مطلق بازی با آلات قمار، حتی بدون



شرط‌بندی اطلاق می‌شود. در این تعریف، عنصر آلات قمار در مفهوم قمار دخیل دانسته شده است. بنابراین، بازی و برد و باخت بدون آلات قمار مصداق قمار نخواهد بود. برخی در مفهوم قمار شرط‌بندی (گروگذاری) را دخیل دانسته‌اند، بدون آن‌که آلات قمار را در آن داخل کنند؛ اینان قائل‌اند قمار شرط‌بندی در بازی است، با آلات قمار باشد، یا بدون آلات قمار. بنابراین تعریف، شرط‌بندی در مغالبه (قرار دادن عوض برای برنده) مصداق قمار می‌باشد، خواه با آلات قمار باشد یا نباشد؛ چنان‌که مغالبه بدون شرط‌بندی مصداق قمار نخواهد بود، بازی با آلات قمار باشد یا بدون آلات قمار. برخی، قمار را نوعی از بازی دانسته‌اند که هدف بازی‌کنندگان غلبه بر حریف باشد، خواه همراه با شرط‌بندی باشد یا نباشد و یا با آلات قمار باشد یا نباشد. (شاهرودی، ۱۳۸۲، ص ۶۷۲-۶۷۱) برای فهم بیشتر تعریف قمار و اینکه قمار بر کدام یک از این اقسام سه‌گانه صدق می‌کند، به بیان نظرات فقها در این باب می‌پردازیم:

۲-۱-۲. نظرات فقها در مورد مفهوم قمار

تعاریف موجود در کلمات فقها را می‌توان در سه نظر خلاصه کرد:

۲-۱-۲-۱. بازی با ابزار مخصوص قمار همراه با گروگذاری

نخستین احتمال برای قمار، بازی با آلات مخصوص قمار همراه با گروگذاری است. این احتمال قدر متیقن از ادله موجود در کتاب و سنت و معقد اجماع برای معنای قمار می‌باشد. تمامی فقها بر این احتمال اتفاق نظر دارند. در این تعریف دو ملاک برای قمار وجود دارد: اول اینکه، بازی با ابزار مخصوص قمار باشد. دوم اینکه، همراه با گروگذاری و برد و باخت باشد؛ یعنی چیزی به‌عنوان رهن و شرط معین شده باشد. (اعرافی، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۱۸؛ خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۷)

۲-۱-۲-۲. بازی با ابزار مخصوص یا بدون آن همراه با گروگذاری

بنابر نظر عده‌ای، ظاهر از قمار هر بازی می‌باشد که برای آن پاداش در نظر گرفته شده باشد؛ یعنی در آن شرط‌بندی شده باشد، چه با آلات قمار باشد و چه با غیر آن. (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۱۰۴)



شاهد برای این تعریف این است که قبلاً در معنای لغوی قمار گذشت که رهان و گروگذاری، در مفهوم قمار اخذ شده است، چه بازی با آلات قمار باشد چه با غیر آنها. (خویی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۸۵)

البته بعضی آن را نپذیرفته و معتقدند: ظاهر این است که قمار بر مطلق گروگذاری صدق نمی‌کند؛ زیرا عرفاً قمار، مطلق غلبه پیدا کردن با گروگذاری نیست؛ به همین خاطر، به کسی که در حسن خط یا در تجوید قرائت قرآن یا مسابقه سرعت گرو گذاشته مقامر و به کار او قمار نمی‌گویند. (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۸۸)

۲-۱-۳. بازی با ابزار مخصوص چه با گروگذاری چه بدون آن

عده‌ای دیگر از فقها بر این اعتقادند که قمار عبارت است بازی با آلات و ابزارهای مخصوص مثل تخته نرد، شطرنج حتی بازی با گردو که قبلاً به‌عنوان قمار استفاده می‌شده است. (مقدس اردبیلی، ص ۴۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۲۹؛ شهید اول، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۲۶)

در جامع المقاصد نیز آمده است: اصل در قمار، رهن و گروگذاری بر بازی با این آلات است، اما شاید بر بازی مطلق با این ابزار اطلاق شده است و در حرمت بازی با این ابزار شکی نیست. (محقق کرکی، ۱۴۱۴ ق، ج ۴، ص ۲۴)

همچنین در کتب دیگر فقهی آمده است که اصل معنای قمار، گروگذاری بر بازی با چیزی از آلات معروف قمار است و اقوی این است که قمار به خاطر اجماع منقول همه آلات لهو و لعب را در برمی‌گیرد؛ مثل نرد و شطرنج و انگشتر و گردو. (کاشف الغطاء، ۱۴۲۰ ق، ص ۴۰)

اما به این نظر چنین اشکال شده است که مسابقه بدون راهنما موضوعاً از دایره قمار خارج است و اطلاق قمار بر آن بر معنای حقیقی دلالت نمی‌کند. و حرمت بازی با شطرنج و نرد از جهت ادله خاصه است، نه از جهت صدق مفهوم قمار بر آن. (خویی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۸۵)

۲-۳. واکاوی معنایی واژگان مرتبط

برای فهم بهتر مفهوم قمار و به‌دست آوردن ملاک‌های دخیل در معنای آن، بررسی واژگان مرتبط با معنای قمار لازم است. یکی از این واژگان «میسر» است که در قرآن به‌جای قمار از آن استفاده شده است و دیگری «رهان» یا «مراهنه» است که یکی از الفاظ اساسی در معنای لغوی و اصطلاحی قمار می‌باشد. در ادامه به بررسی این واژگان خواهیم پرداخت.

میسر مصدر میمی از واژه یسر است. یاء و سین و راء دو اصل هستند که یکی به معنای راحتی و خفیف بودن و دیگری به معنای عضوی از اعضا است. معنای اول همان یسر و راحتی است که برخلاف عسر و سختی است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۵۶-۱۵۵) معنای واژه میسر در کتب لغوی به چند صورت بیان شده است؛ گاهی آن را به یکی از ابزار قمار معنا کرده‌اند که چنین بیانی خیلی نادر است؛ مثلاً در برخی از کتاب‌ها بیان شده است که به نرد، میسر می‌گویند. (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ ق، ص ۳۷۰) گاهی آن را بازی با نوع خاصی از ابزار نامیده‌اند؛ چنان‌که گفته شده است: میسر، قمار کردن عرب با ازلام می‌باشد. (ابن منظور، ص ۳۰۰) برخی از لغویان نیز میسر را بازی با اقداح دانسته و بیان می‌دارند: میسر نوعی قمار رایج در دوران جاهلیت بود که با استفاده از تیرهای چوبی یا استخوانی انجام می‌شد. آنها با قرعه‌کشی، گوشت شتر ذبح‌شده را بین خود تقسیم می‌کردند و یسر میسر، یعنی قماربازی کرد یا در میسر شرکت نمود. (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۲۶۳) معنای سومی که برای میسر در کتب لغت بیان شده است، مطلق قمار و بازی با شرط‌بندی است؛ همان‌گونه که برخی بعد از تقسیم معنای میسر به دو قسم، به شرح ذیل، این معنا را اختیار می‌کنند؛

دو تعریف برای میسر وجود دارد:

- به معنای شتر (جزور) است؛ دلیل نام‌گذاری آن به این اسم این بوده است که با این کار شتر به قسمت‌های مختلف تقسیم می‌شده است؛ گویی محل تجزیه و تقسیم بوده است.

- میسر همان قمار است، مخصوصاً قمار با تیرهای قرعه (قداح) که برای تقسیم سهام یا بخت‌آزمایی استفاده می‌شود. این تعریف اشاره به قمار در همه چیز دارد، نه فقط شتر.

ارتباط بین این دو تعریف این است که هر دو به تقسیم و قرعه‌کشی اشاره دارند. در معنای اول، تقسیم مادی مدنظر است، اما در معنای دوم، تقسیم مال یا برد و باخت از طریق قمار منظور است. در اسلام میسر به عنوان قمار حرام شمرده می‌شود. این تفسیر با نظر عطا همسو است. (ابن منظور، ص ۲۹۸)

در نظری دیگر، میسر را به معنی هر فعل و صفتی دانسته‌اند که بر آن قمار می‌شود. (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، ج ۷، ص ۲۵۵)





برخی از لغویان نیز بعد از بیان ماده یسر به معنای گشایش و وسعت، دلیل نام گذاری دست چپ یا یسار به این نام را هم، آمادگی و سهولت بیشتر برای انجام کار نسبت به دست راست دانسته اند و در بیان آرای سایر لغویان می افزایند: دلیل نامگذاری قمار به میسر این است که در قمار کسب پول در زمانی کوتاه، بدون زحمت و به راحتی انجام می شود. (مصطفوی، ۱۴۲۶ ق، ص ۲۴۳) ابن درید هم با توجه به همین نکته بیان می دارد: هرچه به راحتی بدست آید باید بهای آن پرداخته شود که یکی از آنها میسر است که از آن نهی شده است. (ابن درید، ۱۹۸۷ م، ج ۲، ص ۷۲۵)

با توجه به مطالب بیان شده، می توان گفت: میسر در ابتدا به بازی کردن با ابزار خاص و به شیوه خاص بوده است؛ چنان که شتری را تقسیم می کردند و روی آن شرط می بستند، اما بعداً از آن معنا سرایت کرده و به مطلق قمار و شرط بندی اطلاق شده است.

۲-۳-۲. رهن (مراهنه)

ریشه «رهن» در اصل به معنای ثبات و استقرار چیزی است که به عنوان وثیقه یا تضمین نگه داشته می شود، چه به حق باشد چه به غیر حق. (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۴۵۲) به صورت کلی رهن چند مصداق دارد:

- وثیقه مالی (در معاملات): رهن در اصطلاح فقهی به مالی گفته می شود که برای تضمین دین یا تعهدی گذاشته می شود؛ مثال: «رَهْنُ الْمَتَاعِ بِالْذَّيْنِ»؛ یعنی: متاع را به عنوان وثیقه برای دین گذاشتم.

- شرط بندی (در مسابقات): که از واژه رهن و مراهنه استفاده می شود.

- حبس انسان در گرو اعمالش (در قیامت): طبق آیه ۳۸ سوره مدثر: ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ﴾ به مسئولیت انسان در برابر اعمالش و لزوم پای بندی به تعهدات در معاملات اشاره دارد. (مصطفوی، ۱۴۲۶ ق، ص ۲۵۲-۲۵۰).

طبق تحلیل مصطفوی، ریشه «رهن» هم در زبان عربی و هم در مفاهیم دینی کاربردهای گسترده ای دارد که هر دو معنی مادی (مثل وثیقه) و معنوی (مثل مسئولیت انسان) را شامل می شود.

مراهنه از باب مفاعله که از این ریشه گرفته شده است، نشان دهنده عمل دوجانبه است؛



یعنی دو طرف باهم شرط‌بندی می‌کنند، (زمخشری، ۱۳۹۹، ص ۲۶۲) پس مراهنه به معنای مطلق شرط‌بندی است؛ به همین دلیل جمله رَاهَنْتُ فَلَانًا عَلَى كَذَا مُرَاهَنَةً: خاطره به این معنا است که با فلانی سر چیزی شرط‌بندی کردم یا با او مخاطره کرد. (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۱۲۹) در بعضی کتب بیان شده است که مراهنه به معنای شرط‌بندی و گروگذاری بر مسابقه اسب سواری و غیر آن است. (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹، ص ۴۴) یکی از الفاظی که برای معنای رهان به کار برده شده است، واژه مخاطره است (جوهری، ۱۴۰۴، ص ۲۱۲۹؛ ابن منظور، ص ۱۸۹؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ص ۳۰۰) که به معنای ریسک‌کردن و خطرپذیری است. استفاده از این واژه به این دلیل است که شخص با شرط‌بندی، خطر می‌کند و عملش دارای خطرپذیری بالایی است.

۳. بررسی حدود قمار از نظر آیات و روایات

۳-۱. دلایل قرآنی

(الف) آیه ۲۱۹ سوره بقره: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا﴾؛ «درباره شراب و قمار از تو می‌پرسند. بگو در آن دو گناهی بزرگ است و سودهایی برای مردم است و گناه هردو از سودشان بیشتر است».

در مورد این آیه گفته شده است: آیه بر این دلالت دارد که میسر به معنای بازی قمار است، نه آلات قمار یا بازی با آلات مخصوص قمار؛ زیرا همان‌طور که سؤال در مورد شراب، سؤال از نوشیدن و فعل آن بوده است، سؤال از قمار هم در مورد قمار بوده است، هرچند قدر متیقن از آن همان بازی با آلات قمار به نحو شرط‌بندی می‌باشد. (اعراف، ۱۴۰۰، ص ۱۳۹)

همچنین، برخی از بزرگان معتقدند: این بیان در آیه که شراب و قمار دارای منافع ناچیز هستند، اما ضررشان از منفعتشان بیشتر است، قرینه بر این است که منظور، قمارکردن و شرط‌بندی می‌باشد؛ زیرا این فعل قمار و شرط‌بندی است که آثار شومی مانند ضررهای اقتصادی، زیان‌های اجتماعی و مشکلات جسمی و روحی در پی دارد. (مکارم، ۱۳۷۴، ص ۱۲۶) درجایی دیگر می‌خوانیم: منفعت قمار در آیه نیز به این نکته اشاره دارد که شخص با شرط‌بندی و بدون مشقت به مال طرف مقابل دست پیدا می‌کند و فقیر می‌تواند از آن منتفع شود، اما این توجیهی برای حلال بودن آن نیست. (طبرسی، ۱۴۰۸، ص ۵۵۴)



پس باتوجه به معنای لغوی میسر و قرائن موجود، میسر به معنای قمارکردن مطلق می باشد. ابن عباس، ابن مسعود، مجاهد، قتاده و الحسن نیز همین بیان را داشته اند و از اهل بیت نیز چنین روایت شده است. (طبرسی، ۱۴۰۸ ق، ص ۵۵۴)

در ذیل این آیه روایت شده است:

- امام صادق علیه السلام: «میسر همان قمار است».^۱
- امام باقر علیه السلام: «وقتی آیه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد از ایشان در مورد میسر سؤال شد و ایشان جواب دادند: هرچه با آن قمار می شود حتی تاس و گردو».^۲
- این حدیث اشاره دارد که فرقی بین بازی ها نیست هرچه روی آن قمار می شود حرام است.
- امام هادی علیه السلام: «هر چیزی که بر آن شرط بسته شود میسر است و هر مست کننده ای حرام است».^۳

• امام صادق علیه السلام: «نرد و شطرنج از میسر هستند».^۴ (بحرانی، ۱۴۱۵ ق، ص ۴۵۴)

سه روایت اول به صورت کلی هر چیزی که با آن شرط بندی شود را میسر نامیده اند، اما روایت چهارم برای بیان میسر از نرد و شطرنج استفاده کرده است. در نگاه اول شاید به ذهن بیاید که میسر فقط آلات قمار را شامل می شود، اما با مقایسه این روایت با روایات بالا می توان گفت این روایت مصادیق رایج میسر را بیان می کند. پس قدر متیقن از این روایات، بازی با آلات قمار همراه با شرط بندی است، اما شاید بتوان مطلق شرط بندی را هم از آنها فهمید.

(ب) آیه ۹۰ و ۹۱ سوره مانده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ

۱. «عَنْ عَلِيٍّ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنِ الْوُشَاءِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «الْمَيْسِرُ: هُوَ الْقَهَارُ».
۲. عَنْهُ: عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: «لَمَّا نَزَلَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى رَسُولِهِ صلی الله علیه و آله: «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ» قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا الْمَيْسِرُ؟ قَالَ: كُلُّ مَا تُقَوْمَرُ بِهِ حَتَّى الْكَعَابُ وَالْجُوزُ».
۳. لُعْيَاشِي: عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: كَتَبَ إِلَيْهِ إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبَّسَةَ - يَعْنِي إِلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام -: إِنْ رَأَى سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ أَنْ يُخْبِرَنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ» الْآيَةِ، فَمَا الْمَيْسِرُ، جُعِلْتُ فِدَاكَ؟ فَكَتَبَ: «كُلُّ مَا قَوْمَرُ بِهِ فَهُوَ الْمَيْسِرُ، وَ كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ».
۴. حُسَيْنُ، عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ الْبَجَلِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَخِيهِ مُوسَى، عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: «الْأَزْلَامُ وَالشَّطْرُنْجُ مِنَ الْمَيْسِرِ».



رَجَسُ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصَدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ؟» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بت‌ها و ازالام [نوعی بخت آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید. شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نهی اکید،) خودداری خواهید کرد؟)

طبق این آیه نیز منظور از میسر یا همان قمار نیز بیشتر به شرط‌بندی مطلق تمایل دارد. یکی از قرائن موجود، هدف شیطان از ایجاد عداوت و دشمنی به وسیله میسر در بین انسان‌ها است که این هدف در مطلق شرط‌بندی محقق می‌شود. در تفسیر این آیات آمده است: «معنای اینکه این امور از عمل شیطانند برای این است که شیطان هیچ غرضی از این اعمال خود یعنی خمر و میسر ندارد، مگر ایجاد عداوت و بغضا بین شما، و به این وسیله شما را به تجاوز از حدود خدا و دشمنی با یکدیگر وادار کند، و در نتیجه به وسیله همین شراب و قمار و انصاب و ازالام شما را از ذکر خدا و نماز باز بدارد، و دلیل اینکه عداوت و بغض را تنها از آثار شراب و قمار دانسته از این جهت است که این اثر در آن دو ظاهرتر است، میسر که همان قمار است نیز در ضرر و مفسده دست کمی از شراب ندارد، زیرا قمار سعی و کوششی را که شخص در مدت‌های طویل در راه جمع مال و بدست آوردن وجهه و آبرو به کار برده در کمترین مدت از بین برده و علاوه بر اینکه مال آدمی را تباه می‌سازد، چه بسا عرض و آبرو و بلکه جان آدمی را هم در مخاطره قرار می‌دهد. حال اگر در راه قمار پیروز شد و از این راه مالی بدست آورد تازه همین مال او را به یک انحراف‌های دیگر دچار می‌سازد، و آن اینست که چون این مال را به زحمت کسب نکرده در راه صحیح هم خرج نمی‌کند، و سیر معتدلی را که تا کنون در زندگی صحیح و عاقلانه خود اتخاذ کرده بود تباه ساخته و او را مردی ولخرج و تبیل و اهل لهو و فجور می‌سازد، چنین کسی هیچ وقت حوصله اینکه ما محتاج زندگی خود را از راه مشروع بدست آورد نداشته و همواره در پی راه‌های نامشروع است، و همچنین اگر مغلوب شود و هستی خود را ببازد که همین بی‌پولی و زیانکاریش او را به کینه‌توزی نسبت به حریف قمار خود واداشته و در نتیجه یک عمر را به حسرت یا خشم و عصبانیت می‌گذارند». (طباطبایی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۳-۱۲۲)



برخی دیگر از مفسران به نقل از قتاده می گوید: مردی بود که در مال و خانواده اش قمار می کرد و پس از باخت، غمگین می شد و این کار، دشمنی و کینه را برایش به دنبال داشت. (طبرسی، ۱۴۰۸ ق، ص ۳۷۰)

۲-۳. دلایل روایی

روایات در مورد قمار را شاید بتوان به دو دسته کلی تقسیم کرد. همان طور که در ضمن بررسی روایات ذیل آیه ۲۱۹ سوره بقره بیان شد، ظاهراً بعضی از روایات در مورد مطلق شرط بندی وارد شده است و بعضی نیز در مورد نهی از بازی با آلات قمار. تعداد روایات در مورد قمار زیاد است که برای نمونه به بعضی اشاره می کنیم:

دسته اول: روایاتی که به صورت مطلق به شرط بندی اشاره می کنند:

- امام صادق علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «فرشتگان در حال شرط بندی فرار می کنند و بر صاحبان شرط لعنت می فرستند؛ مگر در اسب دوانی، پرداختن پرندگان، تیراندازی و دو میدانی».^۱ (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۸)

- یا روایت امام صادق علیه السلام: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «ملائکه در شرط بندی در مورد شتر دوانی، اسب دوانی و تیراندازی حاضر می شوند و غیر از اینها قمار حرام است».^۲ (طوسی، ۱۳۶۵، ص ۲۸۴)

این نوع روایات، ظاهر در این هستند که رهان و شرط بندی در مسابقه به غیر از موارد ذکر شده حرام است؛ چراکه ملائکه در آن مجلس حاضر نمی شوند و شخص را لعن می کنند. (خویی، ۱۳۷۷، ص ۵۷۸)

- امام باقر علیه السلام: «از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد، میسر چیست؟ در جواب فرمودند: هر چه با آن قمار شود حتی کعب و گردو».^۳ (کلینی، ۱۳۶۳، ص ۱۲۲)

۱. فی روایة أبي العلاء بن سبابة عن الإمام الصادق عليه السلام عن النبي صلی الله علیه و آله: إن الملائكة لتنفر عند الرهان و تلعن صاحبه ما خلا الحافر و الخف و الريش و النصل

۲. قول الإمام الصادق عليه السلام إنه قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إن الملائكة لتحضر الرهان في الخف و الحافر و الريش و ما سوى ذلك قمار حرام.

۳. فی روایة جابر عن أبي جعفر عليه السلام: قيل يا رسول الله ما الميسر؟ قال: كل ما تقوم به حتى الكعب و الجوز.



- امام کاظم علیه السلام نوجوانی را برای خرید تخم مرغ فرستاد. وی رفت و یک یا دو تخم مرغ خرید و با آن قماربازی کرد و هنگامی که آن را آورد حضرت تناول فرمود. یکی از دوستان آن حضرت عرض کرد، قمار نیز در این تخم مرغ بوده است. آن حضرت تستی خواستند و تخم مرغ را قی کردند. (کلینی، ۱۳۶۳، ص ۱۲۳)

- امام صادق علیه السلام در مورد آیه **﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾**: «روش پیشینیان این بود که مرد بر سر خانواده و دارای خود قمار می‌کرد، خداوند عزوجل آنان را از این کار بازداشت».^۱ (کلینی، ۱۳۶۳، ص ۱۲۲)

- از امام باقر علیه السلام: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ... و کسی که چیز ارزشمندی را در مسابقه می‌برد، در آن حال مؤمن نیست.» ابن سنان گوید به ابوجارود گفت: مسابقه بر سر چیز ارزشمند چیست؟ گفت: مانند کاری که حاتم کرد و گفت: هرکس هر چیزی را به‌دست آورد، مال خودش است.^۲ (کلینی، ۱۳۶۳، ص ۱۲۳)

ظاهر از این روایات این است که مناط برای قمار، شرط‌بندی است و فرقی ندارد که در چه بازی و مسابقه‌ای باشد.

دسته دوم: روایاتی که به حرمت بازی با آلات قمار اشاره می‌کنند:

- از شطرنج و نرد از امام صادق علیه السلام سؤال شد، جواب دادند: «به آنها نزدیک نشوید».^۳ (حر عاملی، ۱۴۱۶ ق، ص ۳۲۰)

در مورد صدق قمار در بازی با آلات قمار بدون شرط‌بندی اشکال وجود دارد؛ زیرا همان‌طور که بیان شد، معنای قمار، رهن و شرط‌بندی در بازی با آلات معروف است و

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ زِيَادِ بْنِ عِيسَى وَهُوَ أَبُو عُثَيْبَةَ الْحَدَّاءُ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تعالى: **﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾** فَقَالَ: كَانَتْ قُرَيْشٌ تُقَامِرُ الرَّجُلَ بِأَهْلِهِ وَ مَالِهِ فَتَنَاهُمُ اللَّهُ تعالى عَنْ ذَلِكَ.

۲. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَا يَزِيهِ الرَّأْيَ حِينَ يَزِيهِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَسْرِقُ السَّارِقُ حِينَ يَسْرِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَنْهَبُ مُنْهَبَةً ذَاتَ شَرَفٍ حِينَ يَنْهَبُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ قَالَ ابْنُ سِنَانٍ قُلْتُ لِأَبِي الْجَارُودِ وَ مَا مُنْهَبَةٌ ذَاتُ شَرَفٍ قَالَ نَحْوُ مَا صَنَعَ حَاتِمٌ حِينَ قَالَ مَنْ أَخَذَ شَيْئًا فَهُوَ لَهُ.

۳. عَنْ أَبِي الرِّبْعِ الشَّامِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سئل عن الشطرنج والنرد، فقال: لا تقربوهما.



مجرد استعمال در این مورد موجب اجرای احکام نمی‌شود؛ زیرا بر فرض اصالة الحقیقه در استعمال، لفظ قمار در مورد غالب انصراف دارد که شرط‌بندی در بازی با آلات می‌باشد.

البته چنین انصرافی در مورد روایت بالا بعید است. (انصاری، ۱۴۱۱ ق، ص ۱۸۶)

- امام رضا علیه السلام: «بازی با تخته نرد و شطرنج و سه پرک در یک حکم است، هر وسیله‌ای

که با آن قمار شود، حرام است».^۱ (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۴۳۵)

- فضل گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آلاتی که مردم با آن بازی می‌کنند؛ ازجمله نرد و

شطرنج و بازی سدر سؤال کردم، فرمود: «هنگامی که خداوند حق و باطل را جدا

کرد، این بازی‌ها را در کدام طرف قرار داد؟» عرض کردم: همراه باطل. فرمود: «پس

تو با باطل چه کار داری؟».^۲ (کلینی، ۱۳۶۳، ص ۴۳۶)

بعضی روایات، مثل روایت امام رضا علیه السلام، به دلیل حرمت بازی با آلات قمار اشاره دارند

که می‌فرمایند: هرچه با آن قمار و شرط‌بندی شود حرام است، اما بعضی دیگر مطلق بازی با

شطرنج و نرد را جایز ندانسته‌اند که شاید بتوان طبق کلام شیخ انصاری بیان کرد، این

روایات در مورد غالب یعنی بازی همراه با شرط‌بندی انصراف دارند؛ زیرا طبق بررسی

موضوعی قمار به این نتیجه رسیدیم که یکی از مقومات آن شرط‌بندی است.

در نتیجه، ملاک شرط‌بندی و رهن در قمار وجود دارد و بازی با آلات قمار بدون

شرط‌بندی، صدق قمار نمی‌کند.

۴. تعریف برگزیده

با توجه به بررسی‌های انجام شده در مورد کلمه قمار و میسر، می‌توان به این نتیجه رسید که

همان‌طور که ملاک مقومات معنای لغوی قمار، بازی و رهان (گروگذاری یا شرط‌بندی)

است، معنای اصطلاحی آن نیز متقوم بر شرط‌بندی می‌باشد. پس در میان نظرات سه‌گانه

فقه‌ها، قمار شامل نظریه دوم یعنی بازی با گروگذاری، چه با آلات مخصوص آن و چه بدون

۱. مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: الْتَزُدُ وَالشَّطْرَنْجُ وَالْأَرْبَعَةُ عَشَرَ بِمَنْزِلَةِ وَاحِدَةٍ وَ كُلُّ مَا قُومِرَ عَلَيْهِ فَهُوَ مَيْسِرٌ.

۲. عَبْدُ اللَّهِ عَنْ الْفَضْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ الَّتِي يَلْعَبُ بِهَا النَّاسُ الْتَزُدُ وَالشَّطْرَنْجُ حَتَّى انْتَهَيْتُ إِلَى السُّدْرِ فَقَالَ إِذَا مَيَّرَ اللَّهُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ فِي آيَتِهَا يَكُونُ قُلْتُ مَعَ الْبَاطِلِ قَالَ فَمَا لَكَ وَلِلْبَاطِلِ.

آلات مخصوص، می‌شود. هرچند، قدر متیقن از معنای قمار، نظریه اول یعنی بازی با آلات مخصوص همراه با گروگذاری باشد.

علاوه بر موارد ذکر شده، عنصر دیگری در باب قمار مطرح می‌شود که آن مخاطره و ریسک‌پذیری است. به دلیل اینکه رهان در بعضی کتب لغت به معنای مخاطره گرفته شده است و برخی از محققان در کتاب خود از این عنصر برای قمار یاد کرده و فرموده‌اند: «حرمت قمار و حرام بودن کسی که براساس آن شکل می‌گیرد، جنبه دیگری از شریعت است که موضع منفی آن را نسبت به عنصر مخاطره اثبات می‌کند؛ زیرا درآمد حاصل از قمار بر پایه هیچ‌گونه کار مفید یا سرمایه‌گذاری نیست، بلکه صرفاً براساس مخاطره استوار است. برنده، شرط را به این دلیل به دست می‌آورد که پول خود را به خطر انداخته و در صورت باخت معامله، شرط را به حریف خود پرداخته است»، (صدر، ۱۴۱۷ ق، ص ۶۰۳) پس می‌توان گفت باید در قمار شرط‌بندی بین افرادی باشد که در حال بازی هستند تا این ریسک و خطر در بینشان وجود داشته باشد.

طبق مطالبی که بیان شد بازی با آلات قمار بدون شرط‌بندی از مصادیق قمار نیست. پس می‌توان در تعریف قمار بیان کرد که قمار هر بازی و مسابقه‌ای است که طرف‌های آن برای غلبه بر یکدیگر باهم شرط‌بندی می‌کنند، چه این بازی با ابزار مخصوص باشد، چه بدون ابزار مخصوص.

۵. نتیجه‌گیری

با بررسی نظرات فقها مشخص شد که سه دسته تعریف برای قمار بیان شده است؛ بعضی از فقها معیار اصلی در مفهوم قمار را شرط‌بندی می‌دانند، اما بعضی دیگر معیار را بازی با آلات مخصوص می‌دانند، هرچند بدون شرط‌بندی باشد. نظر سومی هم وجود دارد که قدر متیقن از مفهوم قمار است و آن این است که هردو ملاک در قمار اخذ شده باشد. برای اختیار بهترین تعریف، بعد از بررسی معنای لغوی قمار که رهان و شرط‌بندی بود، معنای واژه میسر که در قرآن برای بیان حرمت قمار استفاده شده است، مورد بررسی قرار گرفت که مشخص شد این لفظ به دلیل اینکه انسان مالی را با شرط‌بندی به راحتی به دست می‌آورد، برای مطلق قمار استعمال شده است، پس مفهوم رهن و شرط‌بندی در معنای آن وجود دارد.





همچنین، با توجه به قرائن موجود در آیات و روایات مانند بیان منافع و ضررهای قمار و هدف شیطان برای ایجاد عداوت و دشمنی بین انسان‌ها از طریق قمار، این مسئله تقویت شد که قمار به هر بازی اطلاق می‌شود که بازیکنان برای غلبه بر همدیگر شرط‌بندی می‌کنند، و آلات مخصوص قمار در تعریف آن جایی ندارد. پس بازی با بعضی از ابزار مخصوص، بدون شرط‌بندی مربوط به موضوع قمار نیست و به خاطر دلیل دیگری حرام شده است.



فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴ ق). *من لایحضره الفقیه* (چاپ دوم). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۷ م). *جمهرة اللغة* (چاپ اول). بیروت: دارالعلم للملایین.
۳. ابن سیده، علی بن اسماعیل؛ هندای، عبدالحمید (۱۴۲۱ ق). *المحكم والمحیط الأعظم* (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴. ابن فارس، احمد بن فارس؛ هارون، عبد السلام محمد (۱۴۰۴ ق). *معجم مقایس اللغة* (بی‌جا). قم: مکتب الاعلام الإسلامی، مرکز النشر.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم. *لسان العرب* (چاپ سوم). بیروت: دار الفکر.
۶. اعرافی، علیرضا (۱۴۰۰). *مکاسب محرمة* (چاپ دوم). قم: موسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان.
۷. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۱ ق). *المکاسب* (چاپ اول). قم: دارالذخائر.
۸. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. قم: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، واحد تحقیقات اسلامی.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ هندای، احمد عبدالمغفور (۱۴۰۴ ق). *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة* (چاپ سوم). بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق). *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة* (چاپ سوم). قم: موسسه آل البيت (ع).
 ۱۱. خلیل بن احمد. *آل عصفور* (۱۴۰۹ ق). *العين* (چاپ دوم). قم: هجرت.
۱۲. خمینی، روح الله (۱۳۹۲). *المکاسب المحرمة* (چاپ چهارم). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی.
۱۳. خویی، ابوالقاسم (۱۳۷۷). *مصباح الفقاهة* (چاپ اول). قم: داوری.
۱۴. زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۹۹). *اساس البلاغة* (بی‌جا). بیروت: دار صادر.
۱۵. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ ق). *الدروس الشرعية فی فقه الامامية* (چاپ دوم). قم: موسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۱۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی؛ محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۳ ق). *مسالك الإلهام الی تنقیح شرایع الإسلام* (چاپ اول). قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة.





۱۷. صاحب بن عباد؛ اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ ق). *المحیط فی اللغة* (چاپ اول). بیروت: عالم الكتب.
۱۸. صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر؛ محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۷ ق). *معجم فقه الجواهر* (چاپ اول). بیروت: دارالغدیر للطباعة و النشر و التوزيع.
۱۹. صدر، محمد باقر (۱۴۱۷ ق). *اقتصادنا* (چاپ اول). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۳). *المیزان فی تفسیر القرآن* (چاپ سوم). بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۲۱. طبرسی فضل بن حسن (۱۴۰۸ ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن* (بی چا). بیروت: دارالمعرفة.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن. مفید، محمد بن محمد (۱۳۶۵). *تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة للشیخ مفید* (چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۲۳. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ ق). *القاموس المحیط* (چاپ اول). بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۴. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر (۱۴۲۰ ق). *شرح الشیخ جعفر علی قواعد العلامة ابن المطهر* (چاپ اول). نجف: الذخائر.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). *الکافی* (چاپ سوم). تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۲۶. محقق کرکی، علی بن حسین؛ علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد* (چاپ دوم). قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.
۲۷. مصطفوی، حسن (۱۴۲۶ ق). *التحقیق فی کلمات القرآن* (بی چا). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۸. معارف وند، معصومه؛ مردانه جبه دار، مارال؛ زمانی، زهره؛ مرشدی، زهره. *قمار در ایران*. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۵؛ ۵ (۳): ۵-۴۱.
۲۹. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد؛ علامه حلی، حسن بن یوسف. *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الازدهان* (چاپ اول). قم: جماعة المدرسين بقم.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه* (چاپ چهل و یکم). تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۳۱. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ ق). *مستند الشیعة فی احکام الشریعة* (چاپ اول). قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.
۳۲. هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۲). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام* (چاپ اول). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.